

واژگان نقاشی آبرنگ

analogous colours	groups of colours that are next to each other on the colour wheel گروه هایی از رنگ ها که در چرخه رنگ در کنار یکدیگر قرار دارند	رنگ های مشابه
apron	a piece of cloth that you wear to protect your clothes from getting dirty. یک تکه پارچه که برای محافظت از لباس های خود از کثیف شدن می پوشید.	پیشبند
blending	in drawing: mixing from light to dark greys; in painting: mixing from one colour to another در طراحی: مخلوط کردن از خاکستری روشن تا تیره. در نقاشی: اختلاط از یک رنگ به رنگ دیگر	مخلوط کردن
brush	a tool with hairs on the end that is used in painting ابزاری با موهای انتهایی که در نقاشی استفاده می شود	قلم مو
brushstroke	the mark made by a brush when you paint علامتی که هنگام رنگ آمیزی توسط قلم مو ایجاد می شود	ضربه قلم مو
central composition	an arrangement where the most important thing is in the middle چیدمانی که مهمترین چیز در وسط آن است	ترکیب مرکزی
colour mixing	adding two or more colours together اضافه کردن دو یا چند رنگ به هم	مخلوط کردن رنگ
colour scheme	the balanced choice of colours in an artwork انتخاب متعادل رنگ ها در یک اثر هنری	طرح رنگ
colour wheel	a circle of coloured sections that shows the relationships between colours دایره ای از بخش های رنگی که روابط بین رنگ ها را نشان می دهد	چرخ رنگ
complementary colours	colours that are opposites on the colour wheel رنگ هایی که در چرخه رنگ متضاد هستند	رنگ های مکمل
cyan	a greenish-blue colour that is one of the colour primaries رنگ آبی مایل به سبز که یکی از رنگ های اولیه است	فیروزه ای
dry brush painting	creating scratchy brushstrokes using a brush that is mostly dry ایجاد ضربه های قلم موی خش دار با استفاده از یک قلم مو که بیشتر خشک است	نقاشی با قلم مو خشک
dull colours	colours that are greyish, and not very vivid رنگ هایی که مایل به خاکستری هستند و خیلی زنده نیستند	رنگ های کسل کننده
flooding	putting down a layer of clean water onto the paper before adding paint قبل از افزودن رنگ، یک لایه آب تمیز روی کاغذ بگذارید	جاری شدن سیل
intense colours	colours that are very bright and vivid رنگ هایی که بسیار روشن و زنده هستند	رنگ های شدید
layering	adding several small amounts of pencil or paint on top of each other اضافه کردن چند مقدار کمی مداد یا رنگ روی هم	لایه بندی
magenta	a reddish purple (hot pink) that is one of the colour primaries بنفش مایل به قرمز (صورتی تند) که یکی از رنگ های اولیه است	ارغوانی
monochrome	a colour scheme that only uses light and dark versions of a single colour or grey یک طرح رنگ که فقط از نسخه های روشن و تیره یک رنگ یا خاکستری استفاده می کند	تک رنگ

non-central composition	an arrangement where the most important thing is NOT in the middle ترتیبی که در آن مهمترین چیز در وسط آن نیست	ترکیب غیر مرکزی
palette	a painting tool that is used to mix colours on ابزاری برای نقاشی که برای ترکیب رنگ ها استفاده می شود	جعبه رنگ نقاشی
pointillism	drawing or painting with small dots or dashes طراحی یا نقاشی با نقطه یا خط تیره کوچک	پوینتیلیسم
primary colour	a colour that cannot be mixed using other colours, for example: cyan, yellow, and magenta رنگی که نمی توان آن را با استفاده از رنگ های دیگر مخلوط کرد، به عنوان مثال: فیروزه ای، زرد و سرخابی	رنگ اصلی
rectangular colour scheme	a balanced colour scheme that looks like a rectangle on the colour wheel یک طرح رنگ متعادل که مانند یک مستطیل روی چرخ رنگ به نظر می رسد	طرح رنگی مستطیلی
secondary colour	a colour that is created by mixing two primary colours, for example: red, green, and blue رنگی که از ترکیب دو رنگ اصلی ایجاد می شود، به عنوان مثال: قرمز، سبز و آبی	رنگ ثانویه
split complementary colour scheme	a colour scheme using one base colour, and two colours on either side of the complementary یک طرح رنگ با استفاده از یک رنگ پایه و دو رنگ در دو طرف مکمل	تقسیم طرح رنگ مکمل
square colour scheme	a colour scheme in which colours are balanced around the colour wheel in the shape of a square یک طرح رنگی که در آن رنگ ها در اطراف چرخه رنگ به شکل مربع متعادل می شوند	طرح رنگ مربع
synesthesia	the experience of when one of your senses or feelings is triggered by another تجربه زمانی که یکی از حواس یا احساسات شما توسط دیگری تحریک می شود	synesthesia
triangle colour scheme	a colour scheme in which colours are balanced around the colour wheel in the shape of a triangle یک طرح رنگی که در آن رنگ ها در اطراف چرخه رنگ به شکل مثلث متعادل می شوند	طرح رنگ مثلثی
watercolour	paint that is mixed with a lot of water to use properly رنگی که برای استفاده صحیح با آب زیادی مخلوط شده است	آبرنگ
wet-on-dry painting	the normal way of painting by adding wet paint on top of a dry painting روش معمولی رنگ آمیزی با افزودن رنگ مرطوب در بالای نقاشی خشک	نقاشی مرطوب روی خشک
wet-on-wet painting	adding a different colour of wet paint to a painting that is already wet افزودن رنگ متفاوتی از رنگ مرطوب به نقاشی که از قبل خیس شده است	نقاشی خیس روی خیس